

پیام پنج درخت حیات

خواندن متون مقدس: پیدایش ۲: ۷-۹؛ مکاشفه ۲: ۴-۵، ۷: ۲۲؛ ۱۴: ۲
۲ قرن‌تیا ۴: ۵؛ ۵: ۱۴-۱۵

۱. مسیح به عنوان حیات، واقعیت درخت حیات است که مرکز عالم می باشد. حیات، هدف آفرینش خدا (پیدایش ۱: ۲۶-۲۸، ۳۱: ۲-۷) و هدف نجات کامل خداست (یوحنا ۱۹: ۳۴؛ رومیان ۵: ۱۰؛ مکاشفه ۲۲: ۱-۲، ۱۴، ۱۹):

آ. در کتاب مقدس، درخت حیات همیشه نشانگر مسیح به عنوان تجسم تمام غنای خدا برای غذای ما است؛ قرار دادن انسان در مقابل درخت حیات توسط خدا، نشان می دهد که خدا می خواست انسان او را به عنوان حیات انسان، توسط خوردن او به طور ارگانیک و با جذب او به طور سوخت و سازی، دریافت کند، تا خدا همان ساختار وجود انسان شود - کولسیان ۲: ۹؛ پیدایش ۲: ۹؛ یوحنا ۱: ۴؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۴: ۶؛ ۱۵: ۱؛ ۱۶: ۳۵، ۵۷، ۶۳؛ ۱ قرن‌تیا ۱۵: ۴۵ ب.

ب. در مکاشفه ۲: ۷، درخت حیات نشانگر مسیح مصلوب (حاکم از درخت به عنوان یک تکه چوب - ۱ پطرس ۲: ۲۴) و رستاخیز کرده است (حاکم از حیات خدا - یوحنا ۱۱: ۲۵)، که امروز در کلیسا حضور دارد، و تکمیل آن اورشلیم نو است، که مسیح مصلوب و رستاخیز کرده در آن، درخت حیات برای تغذیه همه مردم بازخرید شده خدا برای ابد خواهد بود (مکاشفه ۲: ۲۲، ۱۴).

۲. ما باید مواعی که حیات خدا در انسان با آنها مواجه می شود را ببینیم:

آ. اولین مشکلی که حیات خدا در ما با آن مواجه می شود این است که ما تاریکی نظریات انسانی خود را درک نمی کنیم:

۱. باید ببینیم که تنها چیزی که در زندگی مسیحی اهمیت دارد این است که چگونه از مسیح زنده در خود مراقبت می کنیم - غلاطیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۲۰؛ ۴: ۱۹؛ فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱؛ افسسیان ۴: ۱۳؛ ۲ قرن‌تیا ۳: ۱۸.

۲. مسیحی بودن به این معناست که چیزی غیر از مسیح را هدف خود قرار ندهیم. بسیاری از مردم، پس از نجات، در زندگی روحانی خود مشکل دارند زیرا مسیر حیات را نمی دانند، و مسیح را به عنوان حیات خود بر نمی گیرند.

ب. دومین مشکلی که حیات در ما با آن مواجه می شود، ریاکاری است - متی ۶: ۲، ۵: ۷؛ ۲۳: ۱۳-۲۹؛ ۱. روحانیت یک شخص، نه با ظاهر بیرونی، بلکه با چگونگی مراقبت او از مسیح ساکن در درون، مشخص می شود.

۲. نیکویی طبیعی ما، روحانیت کاذب است و در واقع مانع بزرگی برای حیات است؛ ابراز حیات شامل رد کردن خلق و خو و ترجیحات طبیعی ما، و به سادگی اجازه دادن به مسیح برای عمل در ما و شکستن ما است.

۳. اگر همیشه کارها را طبق خلق و خو و وجود طبیعی خود انجام دهیم، نتیجه همیشه ریاکاری خواهد بود.

پ. سومین مشکلی که حیات در ما با آن مواجه می شود، طغیان است:

۱. مسیح در ما عمل و حرکت می کند تا ما را درباره اراده و الزاماتش برای ما و درباره رهبری و رسیدگی اش با ما، روشن کند.

۲. با این حال، اگر اطاعت نکنیم، بلکه با احساس درونی خود مخالفت کرده، رهبری او را نپذیریم یا بها را نپردازیم، این عدم تمایل و مخالفت، طغیان است.

۳. گناهی که ما اغلب و شدیداً مرتکب آن می شویم، ظاهری و مرئی نیست؛ بلکه گناه نافرمانی از حس مسیح در ماست؛ مسیح، در ما زندگی می کند، و او مدام به ما حس درونی حیات می دهد - رومیان ۸: ۶؛ ۱ یوحنا ۲: ۲۷.

ت. چهارمین مشکلی که حیات در ما با آن مواجه می‌شود، قابلیت طبیعی ماست:

۱. بسیاری از برادران و خواهران براساسی عاشق خداوند بوده، برای خداوند تعصب دارند، و بسیار خدامانند هستند؛ با این وجود، بزرگترین مشکل آنها قوت و عظمت قابلیت‌ها و توانایی‌هایشان است. در نتیجه، مسیح هیچ زمینه یا راهی در آنها ندارد.

۲. ما ممکن است قابل و با استعداد باشیم، ولی این چیزها را گناه یا پلیدی نمی‌دانیم؛ به جای اینکه قابلیت‌های طبیعی خود را تحقیر کنیم، برای آنها ارزش قائلیم؛ اگر آنها در ما نشکسته باقی بمانند، به مشکلی برای حیات مسیح تبدیل خواهند شد.

ث. یک راه حل برای همه این موانع در ما وجود دارد - ما باید از صلیب عبور کنیم و بگذاریم صلیب ما را بشکند؛ اگر می‌خواهیم حیات مسیح در ما بدون مانع باشد، باید شکستن صلیب را تجربه کنیم و اجازه دهیم که به این موانع رسیدگی شود و آنها برداشته شوند - متی ۱۶: ۲۴-۲۵.

۳. برای اینکه بتوانیم مسیح را به عنوان درخت حیات بخوریم، باید در همه چیز به او جایگاه اول را بدهیم، که این به معنای عاشق او بودن با عشق اول و فروگرفته شدن با عشق اوست تا او را به عنوان همه چیز در زندگی خود در نظر گرفته و برگیریم - مکاشفه ۲: ۴-۵؛ کولسیان ۱: ۱۸؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۴-۱۵؛ مرقس ۱۲: ۳۰؛ مزامیر ۷۳: ۲۵-۲۶؛ ۸۰: ۱۷-۱۹:

آ. عشق به خداوند با عشق اول، دادن مقام یا جایگاه اول به او در همه چیز، خوردن او به عنوان درخت حیات است. خوردن مسیح به عنوان درخت حیات، یعنی، مسرت بردن از مسیح به عنوان منشأ حیات ما، باید مورد اولیه در زندگی کلیسایی باشد - مکاشفه ۲: ۷؛ یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳.

ب. محتوای زندگی کلیسایی به مسرت از مسیح بستگی دارد؛ هرچه بیشتر از او مسرت ببریم، محتوا غنی‌تر خواهد بود؛ ولی خوردن مسیح به عنوان درخت حیات، مسرت بردن از او به عنوان منشأ حیات ما، مستلزم عشق ما به او با عشق اول است - مکاشفه ۲: ۴-۵.

پ. از یک سو، به طور دقیق، خوردن از درخت حیات در فردوس خدا در مکاشفه ۲: ۷ به مسرت ویژه از مسیح به عنوان منشأ حیات ما در اورشلیم نو در پادشاهی هزاره آینده اشاره دارد.

ت. از سوی دیگر، ما امروز در کلیسا از مسیح مصلوب و رستاخیزکرده به عنوان درخت حیات، تأمین غذا در روحمان، به عنوان یک پیش مزه مسرت می‌بریم؛ هر کلیسای محلی، یک فردوس خداست، جایی که مسیح، درخت حیات است برای مسرت بردن ما.

ث. وقتی در همه چیز به خداوند جایگاه اول را می‌دهیم و در طول روز از مسیح مصلوب و رستاخیزکرده به عنوان درخت حیات می‌خوریم، کلیسا، صرف نظر از وضع آن، برای ما فردوس می‌شود. از این رو، احساس و طرز برخورد ما نسبت به کلیسا به وضعیت ما بستگی دارد.

ج. «اگر امروز از مسیح به عنوان درخت حیات در زندگی کلیسایی مسرت نبریم، به یقین در درخت حیات در عصر پادشاهی شرکت نخواهیم کرد. طبق تجربه من، امروز کلیسا در آن‌ها برای من یک فردوس است.»

چ. دلیل نهادی متروکه بودن و تنزل کلیسا این است که مسیح توسط مردم خدا تمجید نمی‌شود؛ آنها در همه چیز به او برتری و جایگاه اول را نمی‌دهند؛ هرگاه مردم خدا مسیح را تمجید کرده، در هر جنبه‌ای از زندگی خود به او برتری می‌دهند، بازسازی و احیا رخ می‌دهد - مزامیر ۸۰: ۱۷-۱۹.

ح. مسیح نه تنها در زیستن ما، بلکه در تمام پیام‌های ما نیز باید جایگاه اول را داشته باشد؛ «زیرا به خویشتن موعظه نمی‌کنیم بلکه به مسیح عیسی خداوند، اما به خویشتن که غلام شما هستیم بخاطر عیسی» - ۲ قرنتیان ۴: ۵؛ ر.ک. عبرانیان ۱: ۳؛ ۸: ۱؛ ۱۲: ۲؛ مزامیر ۸۰: ۱، ۱۷-۱۹؛ ۱۱۰: ۱-۷:

۱. ما در کار خود باید مدام مردم را به مرکز بازگردانیم و بگذاریم ببینند که «مسیح، خداوند است»؛ ما باید جایگاه خداوند عیسی را بر تخت سلطنت قرار دهیم - ر.ک. غزل غزلها ۱: ۱-۴؛ اشعیا ۶: ۱، ۳؛ یوحنا ۱۲: ۴۱.

۲. برای دادن چنین پیامی، ما خودمان باید توسط خدا شکسته شویم و اجازه دهیم مسیح جایگاه اول را در ما داشته باشد؛ پیام ما، فقط شخص ماست - ۲ قرن‌تیا ۴: ۱۰-۱۳؛ یوحنا ۱۲: ۲۶-۲۴؛ ر.ک. لوقا ۱۲: ۴۹-۵۰.

۳. «آفرین» خداوند، فوق از همه ستایش‌های دنیاست؛ چهره متبسم آسمان، فوق از همه چهره‌های عصبانی زمین است؛ تسلی آسمان، فوق از همه اشک‌های زمین است - متی ۲۵: ۲۱، ۲۳؛ ارمیا ۱: ۷-۹، ۱۸-۱۹؛ دانیال ۴: ۲۶.

خ. برای اینکه در همه چیز به مسیح جایگاه اول را بدهیم، باید عشقی پرعاطفه به او به عنوان پادشاه خود داشته باشیم؛ آنگاه زبان ما قلم یک نویسنده آماده خواهد بود، آماده نوشتن عشق ما به او و ستایش ما به او با تجربه و مسرت ما از او طبق هرآنچه او هست - مزامیر ۴۵: ۱-۲؛ ۲ قرن‌تیا ۳: ۳، ۶.

د. عشق به خداوند با عشق اول، دادن جایگاه اول به او در همه چیز، به معنای برگرفتن او به عنوان «مرکزیت» - مرکز نگهدارنده ما - و «عالمیت» - همه چیز ما - است. ما باید او را به عنوان مرکز، محتوا و محیط عالم شخصی خود بگیریم - کولسیان ۱: ۱۷ ب، ۱۸ ب.

ذ. عشق به خداوند با عشق اول، دادن جایگاه اول به او در همه چیز، به معنای نگریستن بر زیبایی او و درخواست مشورت از یهوه در هر جزئیات زندگی و کار مسیحی ما است - مزامیر ۲۷: ۴؛ یوشع ۹: ۱۴؛ فیلیپیان ۴: ۶-۷.

ر. عشق به خداوند با عشق اول، دادن جایگاه اول به او در همه چیز، به معنای تسلط، فرمانروایی، هدایت، رهبری و تحریک توسط روح آمیخته ما است، [و] مراقبت از [حس] استراحت در روحمان توسط اسیر او بودن و با دعا کردن: «خداوند، مرا فتح کن. مرا اسیر خودت کن. هرگز نگذار بزنده شوم. همیشه مرا شکست بده» - ۲ قرن‌تیا ۲: ۱۳-۱۴.

ز. عشق به خداوند با عشق اول، دادن جایگاه اول به او در همه چیز، به معنای داشتن آسمانی صاف مانند بلوری مهیب با تخت یاقوت کبود خدا بر فراز آن، است. این بدان معناست که هیچ چیز بین ما و خداوند وجود ندارد و ما پر از فضا، حالت و وضعیت آسمانی حضور حاکم او هستیم - او را به عنوان پادشاه خود برگرفته و به او اجازه می‌دهیم که در درون ما حکمرانی و سلطنت کند - حزقیال ۱: ۲۲، ۲۶.

ژ. فقط مسیح پادشاه که بر زمین سلطنت می‌کند با غلبه‌کنندگان او به عنوان یارانش در مقام پادشاهی، می‌تواند مشکلات دنیای امروز را حل کند (اشعیا ۴۲: ۱-۴). نام مسیح در تمام نسل‌ها به یاد خواهد آمد و توسط امت‌ها از طریق مقدسان غلبه‌کننده و هم-سلطنت‌کننده ستایش خواهد شد (مزامیر ۴۵: ۱۶-۱۷؛ مکاشفه ۲: ۲۶).

س. غلبه‌کنندگان، که صهیون نماد آنهاست، آن پایگاه ساحلی هستند که خداوند از طریق آن باز خواهد گشت تا کل زمین را تصرف کند - مزامور ۴۸: ۲؛ دانیال ۲: ۳۴-۳۵.

ش. «ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید! / ای درهای ابدی برافراشته شوید / تا پادشاه جلال داخل شود! / این پادشاه جلال کیست؟ / خداوند قدیر و جبار، / خداوند که در جنگ جبار است!... / این پادشاه جلال کیست؟ / یهوه صباوت / پادشاه جلال اوست» - مزامیر ۲۴: ۷-۸، ۱۰.

۱. دروازه‌ها، از شهرهای امت‌ها هستند؛ درها، از خانه‌های مردم هستند، و مسیح، آرزوی همه امت‌ها است (حجی ۲: ۷)؛ همه امت‌ها، به طور کلی، انتظار آمدن مسیح را دارند، ولی مسیح به سرعت طبق برداشت انسانی ما نخواهد آمد (۲ پطرس ۳: ۸-۹)؛ از این رو، ما باید سربایمان را بالا بگیریم و با صبر و شکیبایی منتظر و چشم به راه آمدن او باشیم.

۲. پادشاه جلال، یهوه صباوت (یعنی لشکرها) است، [یعنی] خدای سه یکتای تکمیل شده که در مسیح پیروزمند و غلبه‌کننده تجسم یافته است (لوقا ۲۱: ۲۷؛ متی ۲۵: ۳۱)؛ یهوه، عیسی است، و عیسی، خدای سه یکتای مجسم شده، مصلوب شده و رستایز کرده است که در مبارزه کردن، قوی و پیروز است (۱: ۲۱؛ مکاشفه ۵: ۵).

۳. او آن است که در رستاخیز به همراه غلبه کنندگانش باز خواهد گشت تا تمام زمین را به عنوان پادشاهی خود تصرف کند - دانیال ۲: ۳۴-۳۵؛ ۷: ۱۳-۱۴؛ یوئیل ۳: ۱۱؛ مکاشفه ۱۱: ۱۵؛ ۱۹: ۱۴-۱۳.

ص. مسیح به عنوان آن که بر تخت خدا نشسته است، ظاهری دارد شبیه به عقیق [ساردیوس] (رنگ قرمز نشانگر بازخرید) و یشم (رنگ سبز تیره اش نشانگر حیات در غنای آن). از این رو، وقتی که خود را تسلیم سروری مسیح می‌کنیم و تحت [فرمان] تخت او هستیم، از هر آنچه او در بازخرید قضایی و نجات ارگانیک خود هست، بهره می‌بریم تا حامل ظاهری یکسان با خدای جلال در حیات غنی او باشیم - ۴: ۳؛ ۲۱: ۱۰-۱۱؛ رومیان ۵: ۱۰.

ض. کسانی که ردای خود را در خون بازخریدکننده مسیح می‌شویند، حق دارند از درخت حیات به عنوان سهم جاودان خود در شهر مقدس، فردوس خدا، در ابدیت مسرت ببرند - مکاشفه ۲۲: ۱۴؛ ۲: ۷.